

حادثه‌ها

تلاش برای خودکشی مقابل دوربین موبایل‌ها

■ ایسنا: آتش‌نشانان توانستند زن جوانی را که قصد داشت در ملاءعام خودکشی کند نجات دهند. این حادثه اندکی پس از ساعت ۲۱ جمعه در قاطع خیابان هفت‌تیر و فکوری مشهد رخ داد و زن جوان ضمن بالا رفتن از توده‌های محافظ پل عابرپاده قصد داشت با پرتاب کردن خود جلو خودروهای عبوری، اقدام به خودکشی کند. در لحظات اولیه این اتفاق، مردم و خودروهای عبوری توجهی به موضوع نداشتند، اما به‌تدریج و به‌ویژه با فریادهای زن جوان، حضور مردم بیشتر شد. در این بین تماس بااورژانس اجتماعی ۱۲۳ به منظور رسیدگی فوری به موضوع به علت عدم پاسخگویی نتایج‌ای نداشت اما آتش‌نشانی و نیروی انتظامی با گذشت حدود ۱۵ دقیقه وارد عمل شدند. پلیس با بستن خیابان، خودروهای عبوری را متوقف و ضمن پراکنده‌کردن مردم کوشید تا احتمال آسیب وی را کاهش دهد. آتش‌نشانان نیز طی اقدامی هوشیارانه از پشت سر به زن جوان نزدیک شدند و با گرفتن او توانستند از خودکشی وی جلوگیری کنند. این اتفاقات در حالی رخ داد که عده‌ای از تماشاچیان با دوربین موبایل‌ها از این صحنه‌ها فیلم و عکس تهیه کردند.

قتل در ییلاق

■ ایسنا: مردی که به دلیل اختلافات مالی در منطقه‌ای ییلاقی مرتکب قتل شده بود، دستگیر شد. ماموران پلیس آگاهی تالش در پی اعلام مفقودشدن فردی به نام علی از سوی خانواده‌اش، به تحقیق در این رابطه پرداختند و متوجه شدند از تاریخ یادپیشدن علی، در چند مرحله از عابر بانک وی پول برداشت شده است. آنها با پیگیری این سرخ‌خ‌ مردی ۲۳ساله به نام «فرهنگ» و شناسایی و دستگیر کردند و کارت عابر بانک علی از او کشف شد. متهم در بازجویی‌ها ابتدا منکر هر گونه ارتباطی با «علی» شد اما بالاخره با اعتراف به قتل او گفت: «روز ۲۷ فروردین به دلیل اختلاف مالی با مقتول، وی را به ییلاقات شهرستان تالش بردم و پس از خفه‌کردن علی با طناب، او را به پایین دره پرت کردم.» کار آگاهان در ادامه با راهنمایی‌های متهم به قتل، باقیمانده جسد مقتول را که با گذشت بیش از یک‌ماه از وقوع قتل توسط حیوانات تکه‌تکه شده بود، کشف کردند.

بازداشت‌شور و تخریب‌کننده ۱۱ خودرو

■ پلیس‌خبر: مرد ضروری که با همدستی دوستانش ۱۱ دستگاه خودرو را تخریب کرده بود، دستگیر شد. سرهنگ علیرضا محرابی، رئیس پلیس امنیت عمومی تهران در این‌باره گفت: «با اراج‌پرونده‌ای در خصوص اقدامات شرورانه دو نفر از ارادل و لویش تهران و تخریب ۱۱ دستگاه خودرو متعلق به شهروندان در باقرشهر، اقدامات ماموران اداره عملیات ویژه پلیس امنیت عمومی تهران بزرگ آغاز شد. وی ادامه داد: «این اقدامات ادامه داشت تا اینکه ماموران پلیس موفق شدند یکی از این دو ضرور را در محل اختفایش شناسایی و در عملیاتی غافلگیرانه بازداشت کنند اما همدست دیگر وی تا مدتی پیش فراری بود، تا اینکه در تحقیقات مشخص شد این فرد به نام «وحید» به اتهام شرب خمر نیز تحت تعقیب است. سرهنگ محرابی افزود: «ماموران محل سکونت این فرد را در باقرشهر شناسایی و وی را دستگیر کردند. این متهم پس از اعتراف به جرایم خود مبنی بر تخریب ۱۱ دستگاه خودرو شهروندان، شرب خمر و ایجاد اخلاخ در نظم عمومی راهی داسرأ شد.»

دستگیری سه رمال

■ شرق: رئیس پلیس آگاهی استان خراسان‌رضوی گفت: رمالان و شیادانی که با سوءاستفاده از اعتقادات و مشکلات شهروندان مشهدی اقدام به کلاهبرداری می‌کردند توسط کارآگاهان پلیس امنیت‌سنگبر و روانه زندان شدند. سرهنگ بیمه‌شکی توضیح داد: در پی دریافت گزارشی، مبنی بر اینکه افرادی به عنوان رمال و دعانویس با این ادعا که از آینده مردم، مطلع هستند، از آنان کلاهبرداری می‌کنند و با فریب شهروندان مشهدی مبلغ هنگفتی را به بهانه حل مسایل و مشکلات آنها به جیب زده‌اند. اکیبی از کارآگاهان پلیس آگاهی مسوول رسیدگی به این پرونده شدند. سرهنگ بیمه‌شکی افزود: کارآگاهان با اخذ دستور قضایی سه متهم از رمالان و کلاهبرداران را دستگیر و در بازرسی از محل اختفای آنها آلات و ادوات دعانویسی و رمالی کشف کردند. رئیس پلیس آگاهی مشهد خاطرنشان کرد: متهمان پس از انتقال به پلیس آگاهی، در بازجویی‌ها با توجه به کشف آلات و ادوات جرم به ناچار به جرم خود اعتراف کردند و با صدور قرار قانونی، روانه زندان شدند.

خواهر کشی با ضربات متعدد چاقو

■ پلیس‌خبر: فرمانده انتظامی نیشابور از قتل زنی به دلیل اختلافات خانوادگی خبر داد. سرهنگ محمدحسن امیری در این‌باره گفت: ماموران در پی اعلام گزارشی از سوی مرکز پلیس ۱۱۰ مبنی بر وقوع قتل در یکی از روستاهای شهرستان نیشابور، برای بررسی موضوع در محل حاضر شدند که در بررسی‌ها مشخص شد، زنی ۲۵ساله در منزلش بر اثر ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. امیری با بیان اینکه در تحقیقات مشخص شد، مقتول توسط برادر ۲۶ ساله‌اش کشته شده است، تصریح کرد: با توجه به اهمیت موضوع ماموران وارد عمل شدند و باهماهنگی قضایی متهم را دستگیر کردند. به گفته فر مانده انتظامی نیشابور، متهم با اعتراف به قتل خواهرش انگیزه خود را از قتل، اختلافات خانوادگی بیان کرد.

قتل دختر ۲۰ماهه توسط زن دایی

شرق: زن عصبی با بهانه‌ای کوچک کنترل خودش را از دست داد و کودک ۲۰ماهه خواهرشوه‌رش را به قتل رساند.

به گزارش خبرنگار ما کودک ۲۰ماهه‌ای به نام «هلیا» روز ۲۱ اردیبهشت توسط زن‌دای‌اش به بیمارستان حضرت رسول اکرم (ص) منتقل شد و هشت روز بعد جانش را از دست داد. تیم پزشکی بیمارستان که در زمان انجام اقدامات درمانی، با اثر ضرب و جرح روی بدن هلیا روبه‌رو شده بود پس از مرگ وی با توجه به احتمال وقوع کودک‌آزاری، موضوع را به کلاترزی نصر اعلام کردند و پدر و مادر کودک برای انجام تحقیقات مقدماتی به کلاترزی انتقال داده شدند. سپس پرونده در اختیار کارآگاهان ویژه مبارزه با قتل قرار گرفت و آنها اطلاع پیدا کردند پدر و مادر ۳۳ و ۳۰ساله هلیا اعتیاد دارند و به همین علت هلیا از همان زمان تولد، تحت سرپرستی آنها نبود.

مادر بزرگ مداری هلیا در اظهارات خود به کارآگاهان گفت: «ختر و دامادم اعتیاد شدید به شیشه و کراک دارند و به همین علت صلاحیت نگهداری بچه را نداشتند و از همان زمان تولد، هلیا نزد من و دیگر مادر بزرگش نگهداری می‌شد.»

ایمن زن درخصوص روز حادثه که زن‌دایی هلیا او را به بیمارستان برده بود به کارآگاهان گفت: «آن روز قصد داشتم به بهشت‌زهرابروم به همین علت هلیا را نزد عروس ۲۰ساله‌ام به نام سحر گذاشتم اما پس از گذشت یک ساعت، سحر با من تماس گرفت و مدعی شد سر هلیا، در حین بازی کردن به دیوار خورده و در حال بردن هلیا به بیمارستان است من هم بلافاصله خودم را به بیمارستان رساندم.»

کارآگاهان با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده، سحر را دستگیر کردند. وقتی این زن تحت بازجویی قرار گرفت در اظهاراتی متفاوت ابتدا مدعی شد سر هلیا حین بازی



علی‌اکبر، مفقودی

کردن به دیوار خود اما پس از گذشت چند ساعت از شروع تحقیقات در اظهارات دیگری عنوان کرد: هلیا در حال بازی کردن روی بالکن منزل بوده که کنترل خود را از دست داد و به پایین پرت شد.

سحر با توجه به اظهارات متناقض و همچنین اعلام نظریه پزشکی قانونی درخصوص وجود آثار ناشی از ضرب و جرح روی پیکر مقتول بار دیگر تحت بازجویی قرار گرفت و بالاخره پذیرفت حرف‌های قبلی‌اش کذب بود. ایمن زن درخصوص روز حادثه به کارآگاهان گفت: «مادرشوهرم روز حادثه، هلیا را به منزل ما آورد و زمانی که می‌خواست خانه را به مقصد بهشت‌زهرآ ترک کند دخترم عسل از او خواست اجازه بدهد هلیا در منزل ما بماند تا بتوانند با هم بازی کنند من نیز که با مادرشوهرم تعارف داشتم، با وجود آنکه به دلیل ناراحتی اعصاب در وضعیت مناسبی قرار نداشتم، نتوانستم از او بخواهم هلیا



سحر متهم به قتل، عکس شرق

را پیش من نگذارد. بعد از رفتن مادرشوهرم، هلیا و عسل در حال بازی کردن بودند که ناگهان سر هلیا به دیوار خود اما چون آثاری نداشت من نیز توجهی نکردم و پس از دادن آب به هلیا، او را آرام کردم. پس از گذشت مدت کوتاهی قصد داشتم به هلیا و عسل سوپ بدهم که هلیا از خوردن آن امتناع کرد در حالی‌که به دلیل فشار ناشی از بیماری اعصاب، از حالت عادی خارج شده بودم در یک لحظه کنترل خودم را از دست دادم و چندین مرتبه سر هلیا را گرفتم و به زمین کوبیدم و وقتی سر او را بلند کردم متوجه شدم صورت و زیر چانه‌اش کبود شده است. بلافاصله او را بلند کردم و به بیمارستان بردم و حین رفتن به بیمارستان نیز با مادرشوهرم تماس گرفتم و با توجه به اینکه قبل از آن، یکبار هلیا در زمان بازی کردن سرش به دیوار خورده بود، به دروغ به او گفتم هلیا حین بازی کردن به زمین خورده است.»

اعتراف پسر شیشه‌ای به دو جنایت



او را جوهری کردم و پای چندین‌میلیون سفته زدم و گفتم: آیدین متهم به دوقفره قتل عمصدی و همچنین دوقفره سرقت از دو مقتول و اختفای جسد حسن است. بنابراین درخواست مجازات برای این متهم را دارم. در ادامه اولیای‌دم هر دو مقتول خواستار قصاص آیدین شدند. سپس متهم در جایگاه حاضر شد. او اتهاماتش را قبول کرد و گفت: من راننده آژانس بودم و با خودرویی که در آن با حسن شریک بودم، کار می‌کردم. ما قبلا پژو داشتیم آن را فروختمیم و پراید خریدیم. بر سر پول پراید با هم اختلاف پیدا کردیم. من می‌خواستم سهم حسن را هم بخرم تا این اختلاف تمام شود. در این بین برای ماشین مشکلی پیش آمد و توسط اداره آگاهی کرج توقیف شد. برای اینکه ماشین را آزاد کنم به مدارک نیاز داشتم. مدارک پیش حسن بود و می‌گفت خودش می‌آید و آنها را تحویل ماموران می‌دهد. بعد از چندین بار خواهش بالاخره آمد. من سهم حسن را به او داده بودم اما مدرکی نداشتیم که نشان دهد همه پول را پرداخت کرده‌ام به همین دلیل هم تصمیم گرفتم از او مدرکی بگیرم.

متهم ادامه داد: مقداری آمپوه مسموم به داروی بیهوشی تهیه کردم و در ماشین گذاشتم. وقتی حسن سوار شد آن را به او دادم. بیهوش شد. من هم انگشت

قتل دختر ۲۰ماهه توسط زن دایی

سرهنگ آریا حاجی‌زاده، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران با تایید این خبر گفت: «با توجه به اعتراضات صریح متهم درخصوص اقدام به ضرب و شستم منجر به فوت کودک ۲۰ماهه به دستور بازپرس پرونده، قرار بازداشت موقت برای متهم صادر شده و برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی تهران قرار گرفته است.»

ایمن مقام انتظامی در ادامه با اشاره به پرونده جداگانه دیگری گفت: زنی روز اول تیر سال گذشته با مراجعه به کلاترزی ۱۱۲ اوبسعيد به ماموران اعلام کرد همسر ۵۷ساله‌اش به نام علی‌اکبر در ساعت ۱۸ روز نهم خرداد از منزلش واقع در میدان منیریه – خیابان معیری خارج شده و دیگر به منزل باز نگشته است. همسر فقدانی در ادامه اظهارات خود به ماموران اعلام کرد همسرش قصد داشت به بیمارستان برود و تاکید کرده بود خودش داکتر در ظرف ۴۸ ساعت و پس از انجام اقدامات درمانی به خانه باز خواهد گشت.

سرهنگ حاجی‌زاده با اشاره به تحقیقات انجام‌شده درخصوص این پرونده و همچنین مجوز انتشار چهره مرد مفقودی گفت: «با توجه به بررسی‌های انجام‌شده توسط کارآگاهان اداره مشخص شد این مرد پس از خروج از خانه مراجعه‌ای به بیمارستان، برای انجام اقدامات درمانی، نداشته و تحقیقات انجام‌شده از دیگر مراکز درمانی و پزشکی قانونی برای شناسایی اجساد مجهول‌الهو به نیز تا به این لحظه منجر به نتیجه مشخصی نشده است بنابراین مجوز انتشار تصویر علی‌اکبر، از سوی دادیار شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران صادر شده است و از تمامی شهروندانی که موفق به شناسایی او شده و اطلاعاتی درخصوص سرنوشت وی دارند درخواست می‌شود اطلاعات خود را در اختیار اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار دهند.»

سرگردان بودم. تصمیم گرفتم به خانه پدر بزرگم بروم. جسد بو گرفته و پدر بزرگ متوجه شده بود برای اینکه لو نروم شبانه چاله‌ای کندم و جسد را دفن کردم بعد ماشین را شستم و به سمت تهران حرکت کردم.» آیدین درباره جنایت دوم نیز توضیح داد: «چند روز بعد من از دای‌ام خواستم با برادر حسن صحبت کند چون آنها هم‌کلاسی بودند و حرف همدیگر را خوب می‌فهمیدند. گفتم به او بگویم من در گم شدن حسن نقشی نداشتم. دای‌ام قبول کرد اما چند روز بعد وقتی که من شیشه کشیده بودم و حالت عادی نداشتم ماجرای قتل را به دای‌ام گفتم. می‌دانستم او بالاخره یک روز این راز را فاش می‌کند و مدام هم مرا تهدید می‌کرد.» متهم ادامه‌داد: دای‌ام می‌گفت سسندی را که برای آزادی من سپرده بود لازم دارد. او سر این موضوع مرتب با من جروبحث می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم او را هم بکشم. گفتم دوستی دارم که ماشینیی خوب دارد و می‌خواهد آن را بفروشد. دای‌ام هفت‌میلیون تومان پول برداشت تا خودرو را بخریم. در راه آمپوه مسموم و یک قرص برنج به او دادم. بعد یک‌دفعه قلبش ایستاد. او مرده بود. باید بلایي سرچسدم می‌آوردم. برای اینکه شناسایی نشود آن را آتش زدم. در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند دود در ریه مقتول پیدا شده و علت مرگ هم‌سوختگی کربنی بوده است بنابراین زمانی که او را آتش زدی زنده بود. متهم جواب داد: من فکر می‌کردم مرده است. او ادامه داد: به شیشه اعتیاد داشتم و در هر دو قتل هم مواد مصرف کرده بودم و در حالت عادی این کار را نکردم. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند.



مادر، قاتل دوقلوها

دیلی‌میل، زنی آمریکایی که پس از کشتن دو فرزند دوقلویش قصد داشت سومین فرزندش را نیز به قتل برساند، دستگیر شد. متهم ۴۱ساله پس از دستگیری اعتراف کرد رفتارهای همسرش باعث شد دست به این جنایت بزند. این زن بعد از کشتن دوقلوها، دختر دیگرش را نیز مسموم کرده بود اما شوهرش از راه رسید و وقتی با این صحنه مواجه شد پلیس را مطلع کرد و دختر چهارساله با انتقال به بیمارستان از مرگ نجات یافت.

حادثه‌ها

نگرانی از تولد کودکان بدسرپرست

علی اعظم محمدبیگی*

■ وزیر بهداشت و درمان عنوان کرد: هرم جمعیتی ایران به شدت در حال تغییر است. پس سیاستگذاران باید فکری درباره میحث جمعیتی کشور داشته باشند و جایگزینی جمعیت جوان باید مورد توجه قرار گیرد (روزنامه «شرق»، ۲۳ فروردین ۱۳۹۱). این نظر وزیر بهداشت را که نگران پیر شدن و در واقع کم شدن جمعیت کشور است چگونه باید ارزیابی کرد؟ منصفانه این است که در این ارزیابی، به قول معروف نخست نیمه پر لیوان را ببینیم، به احتمال بسیار زیاد، خاتم وزیر چند فرزند دارد که به دلیل سرپرستی خوب مادری مانند ایشان، آینده خوبی در انتظار آنان است یا اکنون در خوشبختی زندگی می‌کنند و برای جامعه خود نیز مفید هستند. بنابراین، چه خوب است که در آینده، دیگران مانند فرزندان خاتم وزیر هرچه بیشتر زاد و ولد کنند تا جمعیت خوش‌آتی‌ه و مفید جامعه ایران هر روز بیشتر شود. اما ایولای که اول نیمه پر آن را دیدیم یک نیمه خالی هم دارد. حالا به این خبرها توجه کنید البته این اخبار مشت‌ی از خورار است و جای شگفتی دارد که وزیر بهداشت اینها را در نظر به‌پردازی درباره آینده جمعیت ایران دخالت نداده‌اند. شاید او از این خبرها بی‌خبر است و شاید اساما، جامعه ایران را از این حقایق تکان ندهند. پاک می‌داند «مردی که متهم است دختر یکساله همسر صیغه‌ای خود را به قتل رسانده در دادگاه کیفری استان البرز محاکمه می‌شود» (روزنامه «شرق»، ۲۸ فروردین ۱۳۹۱، ص ۱۸). «شکارچی دختران دانش‌آموز توسط کارآگاهان پلیس به محل‌های ارتکاب جرم منتقل شد و جزیات آزار دختران را شرح داد. این مرد ۶ساله‌ا دو سال قبل، بعد از خریدن یک پیکان سفیدرنگ دختران دانش‌آموز را از مقابل مدارس می‌ربود و مورد آزار جنسی قرار می‌داد. این مرد در سه‌سالگی شاهد طلاق والدینش بود و خود در هشت‌سالگی مورد تجاوز دو مرد قرار گرفت» (روزنامه «شرق»، ۲۰ اسفند ۱۳۹۰، ص ۱۰). «جوانی که به دلایل اختلافات خانوادگی، مادر و خواهرش را به قتل رسانده است برای محاکمه به دادگاه کیفری معرفی شد... فبروزه از همان بدو ازدواج با شوهرش اختلافاتی داشت و این کشمکش‌ها چند سال قبل شدت گرفت و کار به آنجا رسید که این‌دو طلاق را بر اده زندگی مشترک، ترجیح دادند. پس از آن، مادر مینا را انتخاب کرد و برادر او ترجیح داد با پدرش زندگی کند. اما طلاق ارتباط مادر و دختر خوب می‌فهمیدند. گفتم به او بگویم من در گم شدن حسن نقشی نداشتم. دای‌ام قبول کرد اما چند روز بعد وقتی که من شیشه کشیده بودم و حالت عادی نداشتم ماجرای قتل را به دای‌ام گفتم. می‌دانستم او بالاخره یک روز این راز را فاش می‌کند و مدام هم مرا تهدید می‌کرد.» متهم ادامه‌داد: دای‌ام می‌گفت سسندی را که برای آزادی من سپرده بود لازم دارد. او سر این موضوع مرتب با من جروبحث می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم او را هم بکشم. گفتم دوستی دارم که ماشینیی خوب دارد و می‌خواهد آن را بفروشد. دای‌ام هفت‌میلیون تومان پول برداشت تا خودرو را بخریم. در راه آمپوه مسموم و یک قرص برنج به او دادم. بعد یک‌دفعه قلبش ایستاد. او مرده بود. باید بلایي سرچسدم می‌آوردم. برای اینکه شناسایی نشود آن را آتش زدم.

در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند دود در ریه مقتول پیدا شده و علت مرگ هم‌سوختگی کربنی بوده است بنابراین زمانی که او را آتش زدی زنده بود. متهم جواب داد: من فکر می‌کردم مرده است. او ادامه داد: به شیشه اعتیاد داشتم و در هر دو قتل هم مواد مصرف کرده بودم و در حالت عادی این کار را نکردم. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند. سرگردان بودم. تصمیم گرفتم به خانه پدر بزرگم بروم. جسد بو گرفته و پدر بزرگ متوجه شده بود برای اینکه لو نروم شبانه چاله‌ای کندم و جسد را دفن کردم بعد ماشین را شستم و به سمت تهران حرکت کردم.» آیدین درباره جنایت دوم نیز توضیح داد: «چند روز بعد من از دای‌ام خواستم با برادر حسن صحبت کند چون آنها هم‌کلاسی بودند و حرف همدیگر را خوب می‌فهمیدند. گفتم به او بگویم من در گم شدن حسن نقشی نداشتم. دای‌ام قبول کرد اما چند روز بعد وقتی که من شیشه کشیده بودم و حالت عادی نداشتم ماجرای قتل را به دای‌ام گفتم. می‌دانستم او بالاخره یک روز این راز را فاش می‌کند و مدام هم مرا تهدید می‌کرد.» متهم ادامه‌داد: دای‌ام می‌گفت سسندی را که برای آزادی من سپرده بود لازم دارد. او سر این موضوع مرتب با من جروبحث می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم او را هم بکشم. گفتم دوستی دارم که ماشینیی خوب دارد و می‌خواهد آن را بفروشد. دای‌ام هفت‌میلیون تومان پول برداشت تا خودرو را بخریم. در راه آمپوه مسموم و یک قرص برنج به او دادم. بعد یک‌دفعه قلبش ایستاد. او مرده بود. باید بلایي سرچسدم می‌آوردم. برای اینکه شناسایی نشود آن را آتش زدم.

در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند دود در ریه مقتول پیدا شده و علت مرگ هم‌سوختگی کربنی بوده است بنابراین زمانی که او را آتش زدی زنده بود.

متهم جواب داد: من فکر می‌کردم مرده است. او ادامه داد: به شیشه اعتیاد داشتم و در هر دو قتل هم مواد مصرف کرده بودم و در حالت عادی این کار را نکردم. بعد از پایان دفاعیات متهم و وکیل مدافع او هیات قضات برای صدور رای دادگاه وارد شور شدند. سرگردان بودم. تصمیم گرفتم به خانه پدر بزرگم بروم. جسد بو گرفته و پدر بزرگ متوجه شده بود برای اینکه لو نروم شبانه چاله‌ای کندم و جسد را دفن کردم بعد ماشین را شستم و به سمت تهران حرکت کردم.» آیدین درباره جنایت دوم نیز توضیح داد: «چند روز بعد من از دای‌ام خواستم با برادر حسن صحبت کند چون آنها هم‌کلاسی بودند و حرف همدیگر را خوب می‌فهمیدند. گفتم به او بگویم من در گم شدن حسن نقشی نداشتم. دای‌ام قبول کرد اما چند روز بعد وقتی که من شیشه کشیده بودم و حالت عادی نداشتم ماجرای قتل را به دای‌ام گفتم. می‌دانستم او بالاخره یک روز این راز را فاش می‌کند و مدام هم مرا تهدید می‌کرد.» متهم ادامه‌داد: دای‌ام می‌گفت سسندی را که برای آزادی من سپرده بود لازم دارد. او سر این موضوع مرتب با من جروبحث می‌کرد تا اینکه تصمیم گرفتم او را هم بکشم. گفتم دوستی دارم که ماشینیی خوب دارد و می‌خواهد آن را بفروشد. دای‌ام هفت‌میلیون تومان پول برداشت تا خودرو را بخریم. در راه آمپوه مسموم و یک قرص برنج به او دادم. بعد یک‌دفعه قلبش ایستاد. او مرده بود. باید بلایي سرچسدم می‌آوردم. برای اینکه شناسایی نشود آن را آتش زدم.

در این هنگام قاضی خطاب به متهم گفت: متخصصان پزشکی قانونی اعلام کردند دود در ریه مقتول پیدا شده و علت مرگ هم‌سوختگی کربنی بوده است بنابراین زمانی که او را آتش زدی زنده بود.

رخداد

دستبرد سارقان حرفه‌ای به ۲۰ خانه

■ باشگاه خبرنگاران: اعضای یک باند سرقت که به خانه‌های خالی از سکنه دستبرد می‌زدند بعد از ۲۰ فقره دزدی دستگیر شدند. به دنبال وقوع سرقت‌های متعدد از منازل خالی از سکنه در شهرستان شیروان رسیدگی موضوع در دستور کار پلیس مبارزه با سرقت اداره آگاهی قرار گرفت. پس از انجام اقدامات وسیع اطلاعاتی، سرانجام اعضای این باند مشخص شدند و مخفیگاه آنها مورد شناسایی قرار گرفت. ماموران پس از هماهنگی با مرجع قضایی سه سارق را دستگیر کردند. با انتقال متهمان به مقر پلیس، در بازجویی‌های به عمل آمده به ۲۰ فقره سرقت منزل اعتراف کردند. شیوه سارقان به این صورت بود که پس از شناسایی منازل خالی از سکنه با شکستن قفل در وارد خانه می‌شدند و اموال بارش را به سرقت می‌بردند. متهمان به همراه پرونده به مراجع قضایی تحویل داده شدند.